



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۱۰، ش ۴ (پیاپی ۵۲)، مهر و آبان ۱۳۹۸، صص ۱-۲۹

تلفیق مفهومی؛ پیشینه و سازوکار آن

پری‌ناز دادرسی^۱، سحر بهرامی خورشید^{۲*}، ارسلان گلغام^۳، حیات عامری^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۴. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۷/۴/۲۶

دریافت: ۹۷/۱/۲۷

چکیده

تلفیق مفهومی از چارچوب‌های معنی‌شناسی است که بر پیدایش و تبیین مفهوم یا ساختار نوظهور تأکید دارد. در این نظریه، چهار فضای ذهنی (دو درون‌داد، یک فضای عام و یک فضای تلفیق) پیشنهاد شده است که روابط بین این فضاها، نگاشت درون‌فضایی و بین‌فضایی، فراقنی انتخابی، ترکیب، تکمیل و گسترش/ تفصیل ابزارهایی هستند که کمک می‌کنند بتوانیم مفاهیم یا ساختارهای نوظهور را در انگاره‌هایی بازنمایی کنیم. این نظریه پس از نظریه‌های استعاره مفهومی و فضاهاى ذهنی عنوان شده است. هدف از انجام این پژوهش در وهله نخست، معرفی نظریه تلفیق مفهومی، چگونگی عملکرد آن و مقایسه آن با سایر نظریه‌های رقیب است. برای نیل به این هدف، با مثال‌های متعدد زبانی و حتی غیرزبانی کفایت تبیینی تلفیق مفهومی را در بازنمایی مفاهیمی که به‌هنگام مفهوم‌سازی برانگیخته می‌شوند، ارزیابی می‌کنیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد پویایی مفهوم‌سازی در فضاهاى ذهنی و عدم یکسویه بودن نگاشت، عدم تک‌نگاشتی بودن، فراقنی انتخابی و عدم لزوم وجود مفهوم هم‌تا برای هر عنصر در فضاهاى ذهنی و همچنین، عدم منفک پنداشتن کارکردهای ذهنی از ویژگی‌های نظریه تلفیق مفهومی هستند که قابلیت تبیین آن را در مقایسه با سایر نظریه‌های رقیب بالا می‌برد.

واژه‌های کلیدی: استعاره مفهومی، تلفیق مفهومی، فضاهاى ذهنی، معنی‌شناسی شناختی، نگاشت.

۱. مقدمه

تلفیق مفهومی^۱ نظریه‌ای معناشناختی است که سعی دارد چگونگی ایجاد و درک مفاهیم حاصل از کنار هم قرار گرفتن عناصر مختلف زبانی و غیرزبانی را روشن سازد. گاهی مفاهیم در کنار هم قرار می‌گیرند و مفهومی نوظهور^۲ را در ذهن اهل زبان پدید می‌آورند که یا در خود واژه‌ها وجود ندارد یا از تلفیق واژه‌ها استنباط نمی‌شود؛ بلکه نوعی تناقض هم به-شمار می‌آید. مثلاً، در گروه اسمی پشه‌ مالاریا معنای «سبب» (سبب بروز بیماری مالاریا) در هیچ‌یک از واژه‌ها موجود نیست؛ ولی قوای استنباطی ما درک این معنای نوظهور را ممکن می‌سازد. در مثال *caffeine headache* رابطه معنایی علت - معلول را استنباط می‌کنیم. این رابطه از دو منظر قابل ادراک است: یکی اینکه سردرد در اثر خوردن کافئین زیاد ایجاد شده است و دیگر آنکه چون شخص به اندازه کافی کافئین دریافت نکرده به سردرد مبتلا شده است. در مورد دوم، نوعی تناقض وجود دارد؛ زیرا وقتی عبارت *caffeine headache* را می‌شنویم انتظار داریم آنچه در این گروه اسمی وجود دارد؛ یعنی کافئین زیاد علت ایجاد سردرد باشد نه کمبود آن. حال پرسش این است که چه‌طور مفهوم کمبود را استنباط و درک می‌کنیم؟

به مثال دیگری توجه کنید:

(۱) این سلمانی چمن‌زن است.^۳

وقتی شما به‌عنوان خواننده این جمله را می‌خوانید چه معنایی در ذهنتان فعال می‌شود؟ به‌نظر می‌رسد که در اینجا با نوعی تشبیه یا استعاره مواجه هستیم؛ یعنی سلمانی به چمن‌زن تشبیه شده است. بنا به تجربه ما از جهان خارج می‌دانیم که سلمانی باید مهارت خاصی در کوتاه کردن مو داشته باشد. از طرف دیگر، چمن‌زن نیز باید چگونگی کار با ماشین چمن‌زنی را بداند تا بتواند چمن‌ها را کوتاه کند؛ در حالی که، در درک این جمله معنایی منفی برداشت می‌شود که حاصل دانش واژگانی نیست و پردازش ذهنی دیگری علاوه بر استعاره را می‌طلبد. به نظر شما این مفهوم منفی چه‌طور درک می‌شود؟

با این وصف باید گفت نخستین مسئله‌ای که در این پژوهش به‌دنبال پاسخ‌گویی به آن هستیم، ناشی از ناکارآمدی نظریه‌های پیش از تلفیق مفهومی است. واقعاً نظریه‌هایی نظیر

فضاهای ذهنی یا استعاره مفهومی چه نقصانی دارند که قادر به تبیین معنای نوظهور برخی عبارات زبانی نیستند؟ در کنار این مسئله نگارندگان به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش دیگری نیز هستند و آن چگونگی عملکرد نظریه تلفیق مفهومی است. این نظریه چگونه کار می‌کند و معنای پیدایشی در زبان چگونه در قالب این انگاره تبیین و تحلیل می‌شود. بنابراین، هدف از انجام این پژوهش در وهله نخست، معرفی نظریه تلفیق مفهومی، چگونگی عملکرد آن و مقایسه آن با سایر نظریه‌های رقیب و در وهله دوم سیر تکوینی نظریه و ضرورت پیدایش آن است.

به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و در نتیجه، نیل به اهداف خود بدون اینکه خود را محدود به پیکره‌ای صرفاً زبانی کنیم، داده‌هایی زبانی و حتی غیرزبانی (همچون یک تصویر تبلیغاتی) و آشنا برای گویشور فارسی‌زبان را گردآوری کرده و به کمک ابزارهای نظری انگاره تلفیق مفهومی، به بررسی آن‌ها و ارائه شبکه تلفیقی برای هر یک پرداخته‌ایم. این مقاله در پنج بخش ساماندهی شده است: علاوه بر بخش حاضر، بخش دوم مقاله را به مروری مختصر بر پژوهش‌های پیشین اختصاص می‌دهیم. در بخش سوم مقاله به چگونگی شکل‌گیری نظریه تلفیق مفهومی به عنوان یکی از زیرنظریه‌های معنی‌شناسی شناختی پرداخته و در بخش چهارم به تلفیق مفهومی و سازوکار آن می‌پردازیم. در نهایت، در بخش پنجم نتایج این پژوهش را ارائه می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

نظریه تلفیق مفهومی را فوکونیه^۵ و ترنر^۶ (۱۹۹۴، ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶) معرفی کردند. کولسون^۷ (۲۰۰۰) به قالب‌گردانی^۷ و تلفیق مفهومی در ساخت معنا پرداخته است که حاصل این فرایندها را جهش معنایی^۸ دانسته است. کولسون و اوکلی^۹ (۲۰۰۰) نیز به توصیف تلفیق مفهومی و مفاهیم آن پرداخته‌اند؛ آن‌ها از دیدگاه علوم زبان‌شناسی، روان‌شناسی، کامپیوتر و نوروبیولوژی به آن پرداخته‌اند و هرچند این محققان نقاط ضعف بالقوه این نظریه را عنوان کرده‌اند؛ ولی با استفاده از این نظریه، درباره توانایی شناختی تلفیق فضاهای ذهنی و استنباط انسان از آنچه در صورت زبانی عنوان نشده است، بحث کرده‌اند. بردسل^{۱۰} (۲۰۱۴)

از پژوهشگران دیگری است که معتقد است نظریه تلفیق مفهومی برای ارائه انگاره شناختی در مفهوم‌سازی زبانی و غیرزبانی بسیار مؤثر است و به مفاهیم و کاربردهای آن پرداخته است. ویل^{۱۱} (۲۰۱۲) تلفیق مفهومی را نه تنها یک مسئله زبانی، بلکه ابزار تفکر خلاق عنوان کرده است که می‌تواند در یادگیری ماشینی اثرگذار باشد. کووالچوک^{۱۲} (۲۰۱۵) با استفاده از نظریه تلفیق مفهومی به هم‌بستگی بین دنیای خیالی، واقعیت و ارزش‌های فرهنگی در داستان‌های فولکلور انگلیسی و روسی پرداخته است. وی به این نتیجه رسید که تعامل بین تخیل و تجربه‌های روزمره و اغراق در این رابطه به ظهور داستان‌های فولکلور ملی منجر می‌شود. هدبلوم^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که طرح‌واره‌های تصویری در تشخیص تلفیق مفهومی نقش بسزایی دارند و ترکیب دو نظریه تلفیق مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری کمک می‌کند که چگونگی مفهوم‌سازی و تفکر خلاق در انسان روشن شود. بنابراین، آن‌ها مصمم هستند که کتابخانه‌ای جامع از طرح‌واره‌های تصویری را به صورت نمودار تلفیقی ایجاد کنند.

در زبان فارسی نیز مطالعاتی در زمینه تلفیق مفهومی انجام شده است؛ از جمله، برکت و اردبیلی (۱۳۹۱) بیان کرده‌اند که این نظریه نسبت به سایر نظریه‌های معنایی، قدرت تبیینی بالاتری دارد و با کمی جرح و تعدیل در بعضی از مفاهیم این نظریه، حتی می‌تواند قدرت توصیفی - تبیینی بالاتری نیز به دست آورد. صادقی (۱۳۹۲) از نظریه تلفیق مفهومی برای تحلیل رابطه نوشتار و تصویر استفاده کرده و به چگونگی شکل‌گیری معنا در آثار ادبی پرداخته است. مؤذنی و خنجری (۱۳۹۳) با استفاده از تلفیق مفهومی تعدادی از استعاره‌های مفهومی در شعر زبان فارسی را مطالعه کرده‌اند. جوانمرد (۱۳۸۸) نقش فرایند تلفیق مفهومی در روند شکل‌گیری اصطلاح‌های فارسی خودمانی جوانان را بررسی کرده است. اردبیلی و همکاران (۱۳۹۲) به پیوستگی معنایی متن از منظر نظریه آمیختگی [تلفیق] مفهومی پرداخته است. وی در مقاله خود میزان کارایی نظریه آمیختگی مفهومی در تبیین مؤلفه شناختی فرایند ساخت معنا در قصه‌های عامیانه را بررسی کرده است. قراملکی و باقری (۱۳۹۶) از نظریه آمیختگی مفهومی در خوانش «خزائن الهی» در *المیزان* استفاده کرده‌اند. حسام‌پور و سینایی نوبندگانی (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط مهارت‌های تفکر نقادانه و فرایندهای ساخت معنا در ذهن در نمایشی از مجموعه کلاه‌قرمزی پرداخته‌اند.

نگاهی بر پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، در آثاری که نظریه تلفیق مفهومی در آن‌ها به کار

گرفته شده است، (به‌ویژه آثار فارسی) داده‌هایی صرفاً زبانی بررسی شده و در آن‌ها توجه نویسندگان صرفاً به تحلیل داده‌ها معطوف شده و به همین دلیل کمتر به معرفی دقیق و چگونگی عملکرد نظریه پرداخته شده است. خلاف این آثار، در مقاله حاضر نظریه تلفیق مفهومی، سازوکار آن و ابزارهای تحلیلی آن در درجه اول اهمیت قرار دارد. به همین دلیل سعی شده است داده‌هایی متنوع و از حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، هنری و البته زبانی بررسی و تحلیل شود.

۳. چگونگی شکل‌گیری نظریه تلفیق مفهومی

تلفیق مفهومی زیرنظریه‌ای در معنی‌شناسی شناختی است که از سوی فوکونیه و ترنر (1994، 1998، 2002، 2003، 2006) معرفی شده است. پس، در ابتدا لازم است که معنا و مفهوم را در معنی‌شناسی شناختی بررسی کنیم.

۳-۱. معنا در معنی‌شناسی شناختی

معنی‌شناسی شناختی بخشی از زبان‌شناسی شناختی است. در زبان‌شناسی شناختی رابطه بین تجربه‌های فیزیکی و اجتماعی، زبان و ذهن اهمیت دارد؛ زیرا در این چارچوب نظری برای شناخت هر پدیده‌ای در جهان به تجربه نیاز داریم و تجربه حاصل انسان را قادر می‌سازد که به شناخت هستارها^{۱۴} دست پیدا کند و در نتیجه درک و تولید زبانی داشته باشد. بنابراین، برای درک معنای هر واژه، ما نه فقط معنای آن واژه، بلکه شبکه‌ای از معانی را در ذهن خود فراخوانی می‌کنیم که این معانی در کنار یکدیگر یک مفهوم را پدید می‌آورند. اگر از گویشور زبان بپرسیم که «معنا چیست؟» معمولاً خواهد گفت تعریفی که برای هر واژه ارائه می‌دهیم معنای آن کلمه است. در حالی که، چنانکه در معنی‌شناسی شناختی آمده است معنا برابر با مفهوم‌سازی^{۱۵} است و مفهوم‌سازی خود حاصل دو مفهوم محتوای مفهومی (حوزه) و تعبیر (چگونگی برش زدن محتوای مفهومی) است که در شباهی^{۱۶} از فضاهای ذهنی^{۱۷} و روابط بین آن‌ها پدید می‌آید و از تفسیر این فضاها و روابط بین‌فضایی آن‌ها بنا به بافت، بعضی از فضاها فعال می‌شوند و گوینده و شنونده به معنای مورد نظر

دسترسی پیدا می‌کنند.

لئونارد تالمی^{۱۸} (1970) مطالعه معنی‌شناسی را مطالعه مفهوم و سازمان‌بندی آن در زبان دانسته است و لانگاکر^{۱۹} (2008: 27-30) در تفسیر معنا از سطح مفهوم بالاتر می‌رود، معنا را نه با مفهوم، بلکه با مفهوم‌سازی همسان می‌پندارد. این امر پویایی مفهوم‌سازی را نسبت به ایستایی مفهوم برجسته می‌کند. در واقع، معنا (یا مفهوم‌سازی) حاصل محتوای مفهومی^{۲۰} و تعبیر^{۲۱} است (Ibid:43). البته در دستور شناختی، برای محتوای مفهومی از واژه حوزه^{۲۲} استفاده می‌شود (Ibid: 44) که حوزه‌ها به دو گروه پایه (زمان، مکان و دما) و غیرپایه (گرم، سرد، ولرم، بخاری، کولر، آتش و هر آنچه به دما مربوط می‌شود) طبقه‌بندی می‌شوند.

بنا به آنچه در این قسمت در مورد معنا و مفهوم آمده، تلفیق مفاهیم شبکه پیچیده‌ای از مفاهیم را پدید می‌آورد؛ ولی انسان با قوای شناختی (توجه انتخابی، برجسته‌سازی و غیره) قوی خود قادر به گذار از همه نوفه‌های ارتباطی و در نتیجه استنباط و درک مفاهیم نوظهور است. در بخش بعد به چگونگی پیدایش نظریه تلفیق مفهومی و کارکرد آن در درک مفاهیم می‌پردازیم.

۲-۳. سیر تحول

نظریه تلفیق مفهومی، از ترکیب دو نظریه معنایی استعاره مفهومی^{۲۳} (Lakoff & Jhonson, 1980) و فضاهای ذهنی (Fauconier, 1994, 1995)، حاصل آمده است. پس بجاست در این بخش، ابتدا این دو نظریه را بررسی کنیم و به کمک مثال‌هایی به ذکر ناکارآمدی‌های این دو نظریه - که سبب بروز و ظهور نظریه تلفیق مفهومی شده است - بپردازیم.

۳-۲-۱. نظریه فضاهای ذهنی

در سال ۱۹۹۴، فوکونیه نظریه فضاهای ذهنی را معرفی کرد که در واقع سنگ بنای نظریه تلفیق مفهومی است. در نظریه فضاهای ذهنی اعتقاد بر این است که هنگام سخن گفتن و شنیدن، ساختارهای ذهنی در پس ذهن انسان به‌طور موقتی، ولی پویا برانگیخته می‌شوند که این ساختارها فرایندهایی از جنس «شناخت پشت صحنه»^{۲۴} هستند. در واقع، وی (2: 1999)

شناخت پشت صحنه را مشتمل بر فرایندهای شناختی (ازجمله انواع نگاشت استعاری و قیاسی^{۲۵}، شکل - زمینه^{۲۶}، نقطه دید^{۲۷} و نقطه ارجاع^{۲۸}، تغییر^{۲۹}، فضاهای ذهنی، نقش‌ها^{۳۰}، سرنمون‌ها^{۳۱}، مجاز^{۳۲}، چندمعنایی^{۳۳}، تلفیق مفهومی) می‌داند. برای مثال، وقتی که شخصی می‌گوید «خواهرم قدش از من بلندتر است»، ما در ذهن خود در حال قیاس قد شخص موردنظر با قدی بلندتر از او هستیم که در واقع این قد بلندتر از او یک قد مشخص نیست؛ ولی ما (شنونده) بر اساس همان شناخت پشت صحنه قادر خواهیم بود که تصویری از یک شخص قدبلندتر را در ذهن خود متصور شویم که در اثر فعال شدن فضاهای ذهنی مربوط به قد و ظاهر انسان‌ها ممکن می‌شود.

«شناخت پشت صحنه» - بنا به تعریف فوکونیه - فرایند پیچیده مفهوم‌سازی است که در ساخت معنا نقش دارد (Evans & Green, 2006: 193, 368). با توجه به این تعریف، به هنگام مفهوم‌سازی، قالب‌هایی^{۳۴} در فضاهای ذهنی فرد فعال می‌شوند و مفاهیم متفاوت این قالب‌ها با هم مرتبط یا نگاشت‌های متفاوت بین فضاهای ذهنی حاوی این قالب‌ها ایجاد می‌شود که استنباط‌های متفاوتی در ذهن افراد پدید می‌آورد.

در توضیح نگاشت، می‌توان چنین گفت که نگاشت بین فضاهای ذهنی نقش اصلی را در مفهوم‌سازی دارد. برای مثالی ساده، وقتی شخصی از خاطرات مشترک گذشته با کسی صحبت می‌کند ممکن است دیگری با شنیدن آن خاطرات بگوید «من را به آن فضا بردی ...» که در اینجا منظور از «بردن به فضای دیگر» به خاطر آوردن (برانگیخته شدن) همه اتفاقات و شرایط آن زمان در فضایی ذهنی است. برای درک فضاهای ذهنی، روابط بین آن‌ها و نگاشت مفاهیم مثالی که آورده می‌شود را در نظر بگیرید:

(۲) اگر من جای تو بودم جوابش می‌دادم.

در این مثال با استفاده از ساخت شرطی (که نوعی فضا ساز^{۳۵} است)، به‌طور موقت و به صورت برخط، دو فضای ذهنی موقعیت فرضی و واقعی ایجاد می‌شوند که گوینده با نگاشت قیاسی (شناخت پشت صحنه) بین موجودیت واقعی با موجودیت فرضی خود عناصر دو فضای واقعی و فرضی (موقعیت و عکس‌العمل واقعی و فرضی خود) را متصور می‌شود و با هم مطابقت می‌دهد. ممکن است شخص بر اساس تجربیات زندگی، سن، جنس، فرهنگ و روابط فردی خود و با توجه به بافت مکالمه و با تصور خود در آن موقعیت، وارد هر یک از

فضاهای «تأسف»، «راهنمایی» و «انتقاد» شود یا هر یک از این فضاها در ذهن فرد برانگیخته یا فراخوانی شود که سه تعبیر ممکن به صورت زیر است:

الف - موقعیت اول: تأسف: چه بد شد که من جای تو نبودم تا جواب بدهم.

ب - موقعیت دوم: راهنمایی: در چنین موقعیتی جواب بده.

ج - موقعیت سوم: انتقاد: تو چرا این طوری هستی و جواب نمی‌دهی؟



شکل ۱: نگاشت بین فضاهای ذهنی مثال ۲

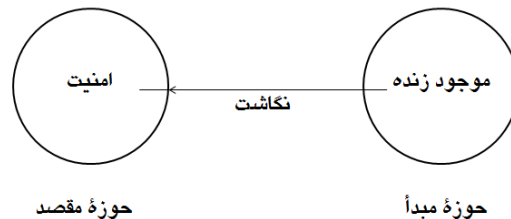
Figure 1: mapping between mental spaces of example 2

در این مثال، با استفاده از نظریه فضاهای ذهنی، من موجود در بند شرط با فاعل بند جواب شرط بر هم نگاشت شده‌اند. در نتیجه این نگاشت، با وجود غیرواقعی بودن یکی از فضاهای تصور شده، معنای مدنظر تولید و درک می‌شود؛ ولی مفاهیمی نوظهور (نظیر تأسف، راهنمایی، انتقاد) پدید می‌آیند که در انگاره نظریه فضاهای ذهنی جایی برای بازنمایی آن در نظر گرفته نشده است. بنابراین، برای تبیین چنین داده‌هایی چارچوب نظری جامع‌تری با انگاره کامل‌تر مورد نیاز است که بتواند فرایند مفهوم‌سازی را با جزئیات بیشتر ملموس‌تر و قابل درک‌تر کند. برای اغنای این نیاز، چارچوب نظری تلفیق مفهومی، نظریه‌ای معنایی است که در بخش بعد به‌طور مفصل به آن می‌پردازیم.

۳-۲-۲. نظریه استعاره مفهومی

نظریه استعاره مفهومی در سال ۱۹۸۰ از سوی لیکاف و جانسون معرفی شد. اساس استعاره مفهومی، ربط دادن حوزه‌های مفهومی مبدأ و مقصد و برقراری نگاشت یک‌به‌یک بین مفاهیم مبدأ و مقصد است (برای توضیح کامل این نظریه ر ک: مولودی، ۱۳۹۴). در واقع، حوزه مبدأ حوزه عینی‌تر و حوزه مقصد حوزه‌ای انتزاعی‌تر خواهد بود و عموماً حوزه انتزاعی‌تر (مقصد) بر اساس حوزه عینی‌تر (مبدأ) شکل می‌گیرد. برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید:

۳) از هیچ تلاشی برای بازگشت امنیت به مصر دریغ نخواهم کرد.



شکل ۲: انگاره استعاره مفهومی مثال ۳

Figure 2: model of conceptual metaphor of example 3

در این مثال، در گروه اسمی بازگشت/امنیت، اگر بخواهیم با توجه به مفهوم عینی آن به معنای گروه اسمی برسیم با مشکل مواجه خواهیم شد؛ زیرا امنیت یک مفهوم انتزاعی است و قابلیت، امکان و اراده بازگشت به جایی را ندارد؛ بلکه بازگشتن از ویژگی‌های موجودات زنده است. در نتیجه، شنونده یا خواننده باید به طریق دیگری مفهوم‌سازی کند. در این گروه اسمی، دو حوزه مفهومی موجود زنده (مبدأ) و امنیت (مقصد) به هم مرتبط شده‌اند و بازگشتن که رویدادی فیزیکی و عینی و از قابلیت‌های موجود زنده است در حوزه مبدأ لحاظ می‌شود و در سوی دیگر در حوزه مقصد «امنیت» که انتزاعی‌تر است، وجود دارد. شنونده یا خواننده این دو حوزه را بر هم نگاشت کرده و در اثر این نگاشت، امنیت را با موجود زنده‌ای قیاس می‌کند که امکان بازگشتن به مکانی را دارد و این گروه اسمی را درک می‌کند (شکل ۲). حال، با توجه به سازوکار استعاره مفهومی به این مسئله توجه کنید که به چه دلیل

استعاره مفهومی کفایت لازم برای تبیین مفهوم منفی مثال «این سلمانی چمن‌زن» است (مثال ۱) را ندارد. لانگاکر (51: 2008)، فوکونیه و ترنر (2002) و همچنین، لیکاف (1993: 207) استدلال‌هایی برای این عدم کفایت آورده‌اند:

الف) دلیل اول مزیت پویایی مفهوم‌سازی در فضاهاى ذهنی نسبت به حوزه‌های مفهومی است. بنا به نظر لانگاکر (*Ibid*) استعاره مفهومی بر اساس نگاشت بین حوزه‌های مفهومی (شامل معنای واژگانی) صورت می‌گیرد؛ ولی تنها نگاشت بین مفاهیم واژگانی پویایی لازم را برای بازنمایی مفهوم منفی که از مثال ۱ استنباط می‌شود، ندارد. در حالی که، فضاهاى ذهنی که هم قالب‌ها و هم انگاره‌های شناختی را در خود دارند، پویایی بیشتری در مفهوم‌سازی دارند. همچنین، تعریف لیکاف (*Ibid*) از استعاره مفهومی درک حوزه مفهومی مقصد بر اساس حوزه مفهومی مبدأ است که در نتیجه، یک حرکت یک‌سویه را خواهیم داشت که این امر نیز بر پویایی مفهوم‌سازی می‌تواند اثرگذار باشد.

ب) فوکونیه و ترنر (*Ibid*) بیان کردند که خلاف آنچه در استعاره مفهومی در نظر گرفته شده است، مفاهیم هرگز حاصل نگاشت منفرد نیستند؛ بلکه هر ساخت ذهنی از شبکه‌ای از فضاها و نگاشت‌های متعدد به وجود می‌آید. بنابراین، نظریه‌های استعاری از قبیل استعاره مفهومی که فقط به مطابقت جفتی قائل هستند و روابط معنایی و مفهومی را در شبکه‌ای درهم‌تنیده از مفاهیم نمی‌بینند، برای مفهوم‌سازی، دارای کفایت تبیینی نیستند. در مثال «بازگشت امنیت» - چنان‌که توضیح دادیم - مفهوم‌سازی مورد نظر با استفاده از تکنگاشت بین دو حوزه (و نه چیزی فراتر از آن) در انگاره استعاره مفهومی بازنمایی می‌شود؛ ولی در مثالی همچون «این سلمانی چمن‌زن است» نمی‌توان معنای منفی را با یک تکنگاشت در انگاره استعاره مفهومی بازنمایی کرد.

ج) نقد دیگر فوکونیه و ترنر (*Ibid*) این است که روابط «مبدأ - مقصد» که اساس نظریه استعاره مفهومی است معمولاً حفظ نمی‌شوند؛ زیرا اولاً لزوماً همه درون‌دادها فرافکنده نمی‌شوند؛ یعنی فرافکنی انتخابی صورت می‌گیرد؛ و دوماً در نظریه استعاره مفهومی باید برای هر مفهوم مبدأ مفهوم همتای مقصدی وجود داشته باشد که همیشه این‌طور نیست.

د) علت دیگر فوکونیه و ترنر (*Ibid*) که نشان می‌دهد نظریه‌های استعاره کفایت تبیینی لازم را ندارند این است که در نظریه استعاره، کارکردهای ذهنی (همچون خلاف واقع‌ها^{۲۶}،

قالب‌ها، مقوله‌بندی‌ها^{۲۷}، مجازها^{۲۸} و استعاره‌ها^{۲۹}) جدا از هم در نظر گرفته شده‌اند. در حالی که، ممکن است هر کارکرد ذهنی هم‌زمان به چندین کارکرد ذهنی بینجامد. برای مثال، در جمله «این سلمانی چمن‌زن است»، هم‌زمان از استعاره مفهومی در نگاشت بین «سلمانی» و «چمن‌زن»، از خلاف‌واقع در فرایند مفهوم‌سازی که سلمانی خود چمن‌زن نیست، از مقوله‌بندی برای تمییز این دو حرفه از هم و از قالب‌ها برای فراخوانی مفاهیم موجود در هر فضای ذهنی می‌توان بهره‌مند بود.

پویایی کمتر حوزه‌ها نسبت به فضاهای ذهنی و یک‌سویه‌بودن نگاشت، تک‌نگاشتی بودن، فرافکنی انتخابی و عدم لزوم وجود مفهوم همتا و همچنین، منفک پنداشتن کارکردهای ذهنی از ویژگی‌های نظریه استعاره مفهومی هستند که قابلیت تبیین کمتری ایجاد می‌کنند.

۴. نظریه تلفیق مفهومی

با توجه به محدودیت‌های نظریه‌های فضاهای ذهنی و استعاره مفهومی در این بخش به بررسی و معرفی نظریه تلفیق مفهومی و سازوکار آن به هنگام پیدایش معنای تلفیقی می‌پردازیم.

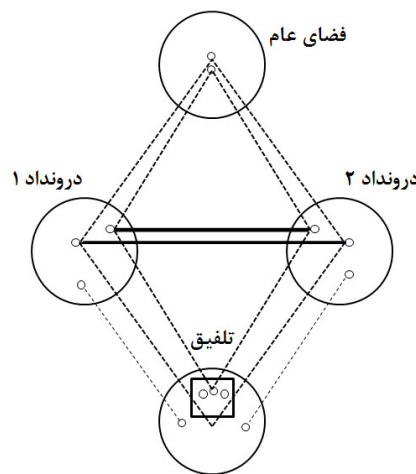
۴-۱. سازوکار تلفیق مفهومی

در نتیجه مطالعات انجام‌شده و کاستی‌های نظری و تبیینی در سال ۱۹۹۸، فوکونیه و ترنر نظریه تلفیق مفهومی را معرفی کردند که در آن به‌جای دو حوزه مبدأ و مقصد (که در نظریه استعاره مفهومی عنوان شد)، حداقل چهار فضای ذهنی (حداقل دو درون‌داد، یک فضای عام و یک فضای تلفیق) وجود دارد. فضاهای درون‌داد تفکر برخط را پدید می‌آورند؛ زیرا به‌طور موقت در ذهن بشر فعال می‌شوند.

فضای عام شامل ویژگی‌های مشترک بین دو فضای درون‌داد و فضای تلفیق است یا در واقع دربرگیرنده طرح‌واره‌های مرتبط با فضاهای ذهنی درون‌داد است. در نهایت، فضای تلفیق بازنمایی تعامل دو فضای درون‌داد و به‌ویژه حاصل فرافکنی انتخابی از فضاهای درون‌داد است که علاوه بر این فرایندها، فرایندهای ترکیب^{۳۰}، تکمیل الگو^{۳۱} و گسترش^{۳۲} پویا

نیز در ایجاد مفهوم نوظهور دخیل است. در واقع، این نظریه از فضاهاى ذهنی و نگاشت بین آنها (نظریه فضاهاى ذهنی) بهره می‌برد، و با افزودن دو فضای عام و تلفیق، جایگاه‌هایی برای مفاهیم بین‌فضایی ایجاد می‌کند تا مراحل درک مفاهیم و چگونگی ایجاد مفاهیم نوظهور به‌نحوی روشن‌تر بازنمایی شود.

فوکونیه و ترنر (Ibid: 40) شکل ۳ را نمونه ساده‌سازی شده یک شبکه تلفیقی می‌دانند که دایره‌ها فضاهاى ذهنی هستند و مربع موجود در فضای تلفیق مفهوم یا ساخت نوظهور است. ارتباط بین عناصر موجود در فضاها از طریق خط‌ها به نمایش در می‌آیند و خطوط پرنرنگ‌تر نشان‌دهنده فعال‌تر شدن آن حوزه است.



شکل ۳: شبکه تلفیق مفهومی

(برگرفته از فوکونیه و ترنر ۲۰۰۲: ۴۰)

Figure 3: conceptual blending network
(adapted from Fauconnier & Turner, 2002: 40)

در این نظریه، هر فضای ذهنی می‌تواند درون‌دادی برای فضای ذهنی دیگر باشد و در نتیجه می‌تواند شبکه‌ای از مفاهیم را به هم ارتباط دهد که با مطالعات معنی‌شناسی شناختی که معنا را در شبکه‌ای از مفاهیم می‌بیند مطابقت دارد. بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد

که تلفیق مفهومی رویکردی است که کفایت بازنمایی یکی از کارکردهای اصلی ذهن را دارد و در واقع، اطلاعات معنایی حاصل از درون‌دادهای جهان واقع، در ذهن انسان با یکدیگر تلفیق شده و مفاهیمی بیشتر از آنچه را در درون‌دادهای وجود دارند پدید می‌آورند. این مفاهیم نوظهور حاصل فرافکنی انتخابی درون‌دادهای به فضای تلفیق است که بنا به تجربه شخص و بافت کلامی و با کمک ساختار دستوری ذهن انسان رمزگشایی می‌شوند.

مثالی که می‌توان برای توضیح تلفیق ارائه کرد، تبلیغات تلویزیونی چای دوغزال است که شخصی دوستان خود را که در حال مطالعه هستند به خوردن چای دعوت می‌کند. به محض خوردن چای یک جسم کدر (که همان خستگی است) از بدن یکی از آنها خارج می‌شود، و چنان سریع از آنجا در می‌رود که دیوار را می‌شکند و شخص می‌گوید:

(۴) خستگی در رفت.



تصویر ۱: تصویر تبلیغ تلویزیونی چای دوغزال

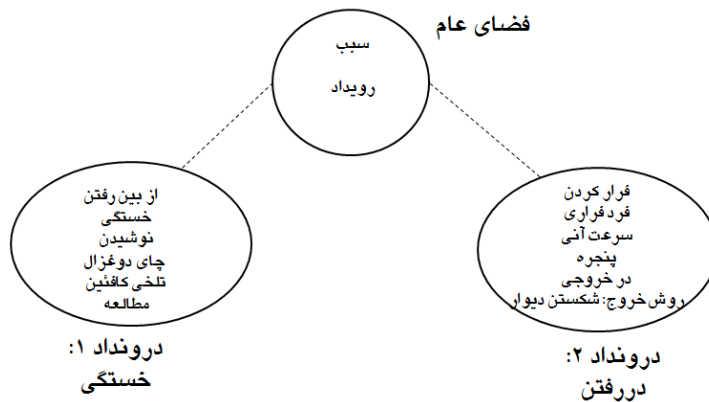
Picture 1: the picture of TV advertisement of DoGhazal Tea



شکل ۴: درون داده‌های مثال ۴

Figure 4: inputs of example 4

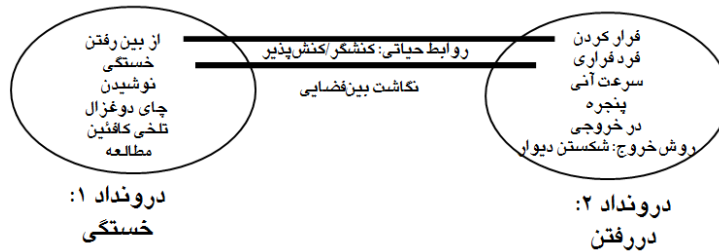
تصویر ۱ دیواری است که در اثر دررفتن جسم خسته (خستگی) شکسته است و در این مثال، مطابق انگاره ۴، دو فضای درون‌داد «خستگی» و «دررفتن» ایجاد شده‌اند. در فضای ذهنی «خستگی»، در نگاشتی درون‌فضایی نوشیدن چای سبب از بین رفتن خستگی می‌شود؛ زیرا معمولاً به هنگام مطالعه، کافئین موجود در چای برای رفع خستگی و هشیاری ذهن کاربرد دارد. از سوی دیگر در فضای ذهنی «دررفتن»، وقتی کسی بخواهد از جایی فرار کند یا به اصطلاح در برود می‌تواند در را باز کند و از در یا پنجره فرار کند؛ ولی در این موقعیت برای جلوگیری از اتلاف وقت از کوتاه‌ترین فاصله ممکن دیوار را می‌شکند و فرار می‌کند.



شکل ۵: فضای عام مثال ۴

Figure 5: generic space of example 4

چنان‌که در انگاره ۵ می‌بینیم فضای عام از ویژگی‌های مشترک بین دو فضای درون‌داد و درواقع طرح‌واره‌های مرتبط با این دو فضا ایجاد می‌شود که در این مثال طرح‌واره‌های سبب (نوشیدن چای و فرار کردن سریع) و رویداد (از بین رفتن و شکستن دیوار) برانگیخته می‌شوند.

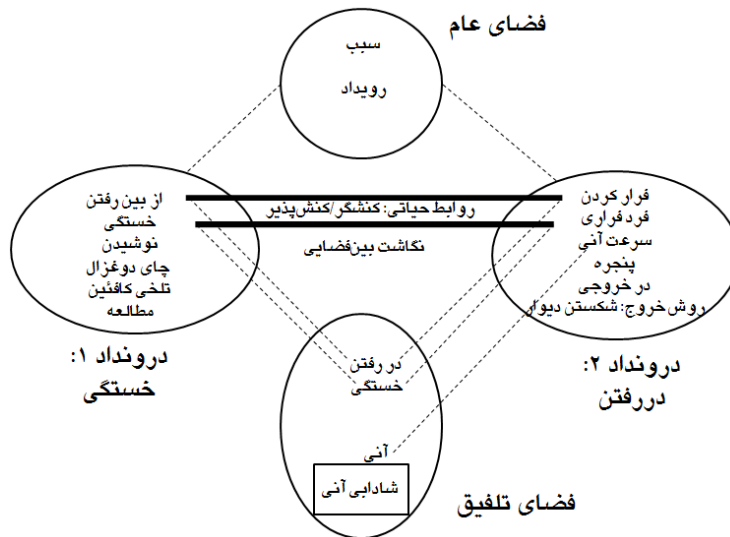


شکل ۶: نگاشت بین فضایی درون‌دادهای مثال ۴

Figure 6: inner-space mapping of inputs of example 4

مطابق انگاره ۶ در این تبلیغ، بیننده باید بین مفاهیم این دو درون‌داد نگاشت برقرار کند؛ به عبارتی «از بین رفتن» و «خستگی» از درون‌داد «خستگی»، با «فرار کردن و فرد فراری» از درون‌داد «فرار کردن» به ترتیب همتای هم هستند که این مفاهیم از این دو فضا بر هم نگاشت می‌شوند. حاصل نگاشت بین فضایی (بین فضاهای ذهنی) ترکیب Fauconnier & Turner, (1998: 146- 147; Coulson & Oakley, 2000: 180- 181) با هم و پدید آمدن روابط حیاتی^{۴۲} است که در این‌جا دو رابطه حیاتی کنشگر (به ترتیب درون- داده‌های اول و دوم: فردی که چای را می‌نوشد و فرد فراری) و همچنین، کنش‌پذیر (به ترتیب درون‌دادهای اول و دوم: خستگی از بین‌رفته و دیوار شکسته) ایجاد می‌شوند. در مثال ۴، «در رفتن شخص/ فرار کردن» و «در رفتن خستگی/ از بین رفتن» با هم ترکیب و در نتیجه این ترکیب فقط «در رفتن» به فضای تلفیق فراقنده می‌شود. نقش ترکیب در این انگاره ایجاد یکتایی^{۴۴} در مفاهیم ترکیب شده است. در واقع، فرایند ترکیب با ایجاد یکتایی به ذهن کمک می‌کند که مفاهیم را فشرده کند و به مقیاس انسانی^{۴۵} (Fauconnier & Turner, 2002: 76; Birdsell, 2014: 312) تبدیل سازد و برای ذهن انسان قابل فهم‌تر کند.

اساساً روابط حیاتی از دو نوع روابط حیاتی درون‌فضایی^{۴۶} (درون فضاهای ذهنی) و روابط حیاتی برون‌فضایی^{۴۷} (بین فضاهای ذهنی) هستند که ترنر (2007: 381) و فوکونیه و ترنر (Ibid: 89- 101) روابط معنایی از جمله تغییر^{۴۸}، هویت^{۴۹}، زمان^{۵۰}، فضا^{۵۱}، علت - معلول^{۵۲}، جزء - کل^{۵۳}، بازنمایی^{۵۴}، نقش^{۵۵}، قیاس^{۵۶}، ضدقیاس^{۵۷}، ویژگی^{۵۸}، شباهت^{۵۹}، مقوله^{۶۰}، تعدد^{۶۱} را روابط حیاتی نامیده‌اند.



شکل ۷: ساخت نوظهور در فضای تلفیقی مثال ۴

Figure 7: emergent structure in blending space of example 4

همان‌طور که در انگاره ۷ مشخص است «در رفتن و از بین رفتن آنی خستگی» بدون اتلاف وقت به‌طور انتخابی فرافکنی می‌شود. مفهوم نوظهوری که پدید می‌آید در درون‌داد «خستگی» و در درون‌داد «در رفتن» وجود ندارد؛ بلکه «شادابی آنی» در فضای تلفیق پدید می‌آید. این ساخت نوظهور و چگونگی پیدایش آن پس از فرایند «ترکیب» مبتنی بر دو فرایند دیگر است؛ در فرایند «تکمیل»، ساختار مفهومی پس‌زمینه^{۶۲} که برخاسته از ناخودآگاه ماست، به‌کار گرفته می‌شود. در نتیجه، ساختاری که حاصل ترکیب دو درون‌داد است با استفاده از

ساختارهای مفهومی دیگر (پس‌زمینه) تکمیل می‌شوند (Fauconnier & Turner, 1998: 146). در مثال ۴، ساختار حاصل از ترکیب با سناریوی «دررفتن» تکمیل می‌شود. در سناریوی «دررفتن» شخص فراری باید بنا به دلیلی خاص، محل مشخصی را با سرعتی زیاد ترک کند و مسیر فرار وی نیز معمولاً از طریق در خروجی است؛ ولی در شرایط خاص ممکن است از طرق دیگر همچون پنجره، پشت‌بام و مسیرهای دیگری فرار کند. در این تبلیغ روش فرار شکستن دیوار برای فرار هرچه سریع‌تر و بدون اتلاف وقت است.

فرایند دیگری که در پیدایش ساخت یا مفهوم نوظهور دخیل است «گسترش» است که در واقع، شبیه‌سازی ذهنی یک رویداد یا تصور بر اساس اصول و منطق است که به عبارتی فرایند تکمیل مکرر و پویا اصولاً به گسترش می‌انجامد (Ibid: 146-147). مثلاً، شخص خسته در مثال ۵ می‌تواند تصور نوشیدن چای را با تمام جزئیات شبیه‌سازی کند و هرچه این جزئیات بیشتر شود به این معناست که تکمیل مکرر صورت گرفته است و به گسترش منجر می‌شود.

درون‌دادها با هم ترکیب و بر اساس سناریوهای ساختار مفهومی پس‌زمینه «تکمیل» می‌شوند و سپس با تکمیل مکرر و پویا، رویداد یا تصور مورد نظر گسترش می‌یابد و ساخت نوظهور پدید می‌آید. همان‌طور که در موارد ذکرشده قبل هم آوردیم مفهوم نوظهور در مثال ۵ «شادابی آبی» است که در اثر خارج شدن همان پوسته کدر از جسم شخص خسته به دلیل نوشیدن چای پدید آمده است.

شبکه‌های تلفیق مفهومی انواعی دارند که به توضیح طبقه‌بندی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۴. انواع شبکه‌های تلفیق

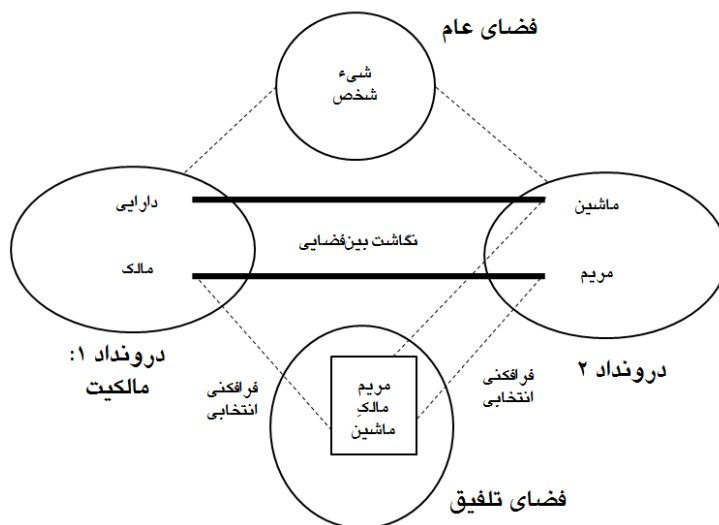
فوکونیه و ترنر (1998 & 2002) چند نوع شبکه تلفیق را معرفی کرده‌اند؛ هرچند آن‌ها بر این باور هستند که انواع شبکه‌های تلفیق می‌توانند نظامی پیوستاری داشته باشند؛ ولی انواعی که بر روی این پیوستار برجسته‌اند، مشتمل بر چهار نوع هستند (Ibid: 426). در ادامه به معرفی هر یک از این چهار نوع شبکه می‌پردازیم.

۲-۴-۱. شبکه‌های ساده^{۶۳}

ساده‌ترین شبکه تلفیق از دو فضای درون‌داد پدید می‌آید که یکی از آن‌ها حاوی قالب است و

دیگری شامل ارزش‌ها. آنچه سبب می‌شود چنین شبکه ساده‌ای را یک شبکه تلفیق بدانیم این است که از تلفیق این دو فضا ساختاری پدید می‌آید که متفاوت از دو فضای درون‌داد است. فوکونیه و ترنر (1998: 180) آن را شبکه تلفیق مفهومی پایه یا ابتدایی معرفی کرده‌اند که یک درون‌داد آن، قالب در خود دارد و درون‌داد دیگر، هیچ قالبی برای تلفیق ندارد. به شکل ۸ که مربوط به مثال ۶ است توجه کنید:

(۶) ماشینِ مریم



شکل ۸: شبکه تلفیقی ساده مثال ۶

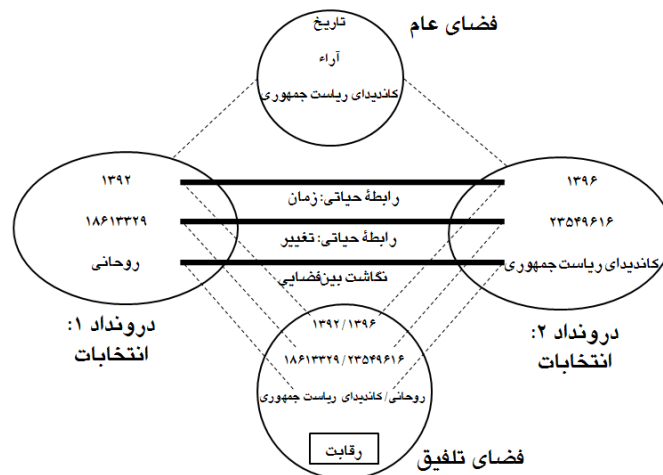
Figure 8: simplex blending network of example 6

در این مثال، قالب «مالکیت» به‌عنوان قالب تلفیق در درون‌داد ۱ دیده می‌شود که در آن فقط نقش‌های دارایی و مالک وجود دارند. در درون‌داد ۲ فقط ارزش‌های مربوط به درون‌داد ۱ دیده می‌شوند و قالب وجود ندارد. در فضای عام در این تلفیق، «ماشین» به‌عنوان «شیء» و «مریم» به‌عنوان «شخص» برانگیخته می‌شوند. مفهوم نوظهوری که در هیچ‌یک از درون‌دادهای تلفیق وجود ندارد و در فضای تلفیق پدید می‌آید «مریم مالکِ ماشین» است.

۲-۲-۴. شبکه‌های آینه‌ای^{۶۴}

دومین نوع از انواع شبکه‌های تلفیق، شبکه آینه‌ای است. بر اساس تعریف فوکونیه و ترنر، مشخصه شبکه آینه‌ای این است که همه فضاهای ذهنی موجود در این نوع شبکه، قالب مشترک دارند (Ibid: 426, 427).

به شکل ۹ توجه کنید. برای مثال، وقتی کاندیدای ریاست جمهوری در یک سال، رکورد چندسال قبل خود را می‌شکند شبکه آینه‌ای با جای‌شناخت مشترک (تاریخ، آراء و کاندیدای ریاست جمهوری و پیش آن‌ها عیناً در همه فضاها یکسان یا مشترک است) پدید می‌آورد که در فضاهای عام و درون‌دادها قالب مشترک وجود دارد. از این رو، چنانچه بخواهیم برای مثال ۷ که از پایگاه خبری خبرآنلاین استخراج شده است، انگاره تلفیق مفهومی ترسیم کنیم به صورت شکل ۹ خواهد بود: (۷ آراء حجت‌الاسلام حسن روحانی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ از ۱۸۶۱۳۳۲۹ نفر به ۲۳۵۴۹۶۱۶ رأی افزایش یافته که گویای رشد ۲۰ درصدی آراء اوست.



شکل ۹: شبکه آینه‌ای مثال ۷

Figure 9: mirror network of example 7

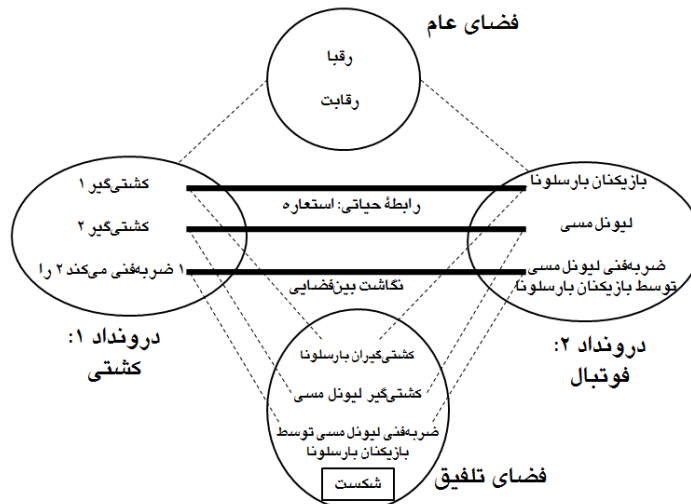
چنانکه در شکل ۹ می‌بینیم قالب هر دو درونداد و همچنین، فضای عام نیز یکسان هستند

و در هر سه آن‌ها یک جای‌شناخت مشترک وجود دارد.

۴-۲-۳. شبکه‌های یک‌دامنه‌ای^{۶۵}

در مقایسه با شبکه ساده که در آن فقط یکی از فضاهای درون‌داد حاوی قالب است و شبکه آینه‌ای که هر دو فضای درون‌داد قالب مشترک دارند، در شبکه یک‌دامنه‌ای، هر دو فضای درون‌داد دارای قالب بوده است؛ ولی قالب‌های آن‌ها متمایز از هم هستند. در حالی که، فقط یکی از قالب‌ها در پیدایش تلفیق نقش دارد و فراقنده می‌شود. در واقع، در این نوع شبکه دو فضای درون‌داد متمایز از هم وجود دارند که یکی از آن‌ها به‌عنوان درون‌داد قالب و دیگری به‌عنوان درون‌داد کانونی^{۶۶} عمل می‌کند (*Ibid*). برای درک بهتر به شکل ۱۰ که بر اساس مثال ۸ است، توجه کنید. این مثال از پایگاه خبری باشگاه خبرنگاران جوان به‌عنوان تیتر گزارش تصویری رقابت فوتبال استخراج شده است و در ورزش کشتی اصطلاح «ضربه فنی» به معنای برتری آنی، درخشان و با اختلاف امتیاز بالاست:

(۸) لحظه ضربه فنی شدن لیونل مسی توسط بازیکنان بارسلونا



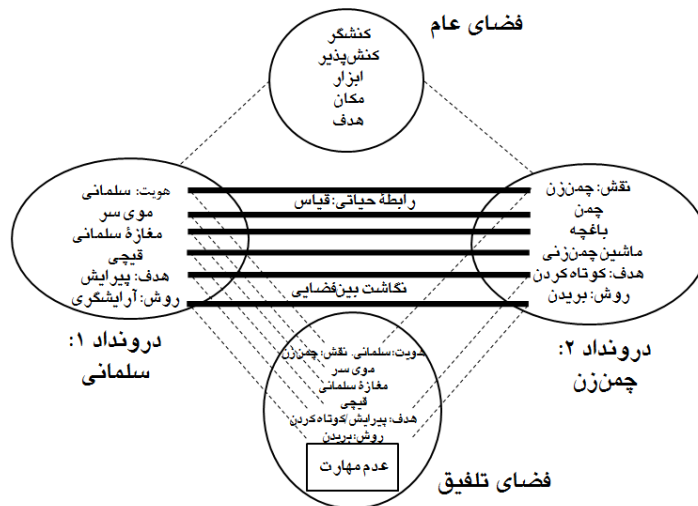
شکل ۱۰: شبکه یک‌دامنه‌ای مثال ۸

Figure 10: single-scope network of example 8

در این مثال، دو قالب متمایز از هم، یعنی قالب‌های «کشتی» و «فوتبال» با عناصرشان در دو فضای درون‌داد پدید می‌آیند؛ ولی فقط قالب یکی از درون‌دادها (در اینجا، فضای درون‌داد ۱ که ورزش کشتی است) به فضای تلفیق فرافکنی می‌شود. دو «رقیب» که در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند و یک «رقابت» از عناصر طرح‌واره‌ای هستند که می‌توان با فرافکنی از فضاهای درون‌داد به فضای عام در نظر گرفت. بنابراین، مفاهیم «کشتی‌گیران بارسلونا» و «کشتی‌گیر لیونل مسی» حاصل فرایند ترکیب و مفاهیم یکتای فضای تلفیق هستند. در فرایند تکمیل، نگاشت بین‌فضایی بین دو درون‌داد رابطه‌حیاتی از نوع «استعاره» را پدید می‌آورد. بنا به این دلیل که به‌ویژه «ضربه‌فنی کردن» از درون‌داد ۱ به درون‌داد ۲ فرافکنی می‌شود. البته گفتنی است که این دو ورزش شباهتی به هم ندارند. در حالی که، اساس استعاره تشبیه یا شباهت است. در نتیجه، با حضور رابطه‌حیاتی «استعاره» درون‌داد ۱ را همچون درون‌داد مبدأ تلقی کرده است که شامل مفاهیم «کشتی‌گیر ۱» و «کشتی‌گیر ۲» می‌شود و درون‌داد ۲ (معادل درون‌داد مقصد) شامل «بازیکنان بارسلونا» و «لیونل مسی» می‌شود که این مفاهیم به‌ترتیب همتای هم هستند. به‌علاوه، «۱ ضربه‌فنی می‌کند ۲ را» از درون‌داد ۱ به درون‌داد ۲ فرافکنی شده و «ضربه‌فنی شدن مسی توسط بازیکنان بارسلونا» در درون‌داد ۲ ایجاد می‌شود. فرایند گسترش به شبیه‌سازی تصویر کشتی‌گیران بارسلونا می‌انجامد که در رقابت با کشتی‌گیر لیونل مسی، او را در زمین فوتبال ضربه‌فنی می‌کنند. در نهایت، مفهوم نوظهور منفی «شکست» در فضای تلفیق پدید می‌آید (شکل ۱۰).

۴-۲-۴. شبکه‌های دودامنه‌ای^{۶۷}

در این نوع شبکه، هر دو فضای درون‌داد حاوی قالب‌هایی هستند که البته متمایز از یکدیگرند و در عین حال، هر دو قالب در ساختار تلفیق نقش دارند؛ در نتیجه، تلفیق حاصل از این درون‌دادها، ساختاری پدید می‌آورد که با درون‌دادها همخوانی ندارد و دقیقاً همین ویژگی شبکه‌های دودامنه‌ای سبب انعطاف‌پذیری بیشتر آن‌ها می‌شود تا آنجا که این شبکه‌های تلفیقی بسیار نوآور هستند و استنباط‌های بدیعی پدید می‌آورند. مثال «این سلمانی علف‌زن است» که نوعی شبکه‌ی دودامنه‌ای است، از استعاره‌هایی است که با استفاده از استعاره‌ی مفهومی نمی‌توان به آن مفهوم نوظهور منفی «عدم مهارت» «سلمانی» دست یافت. به شکل ۱۱ توجه کنید:



شکل ۱۱: شبکه تلفیق مفهومی مثال ۱

Figure 11: conceptual blending network of example 1

درون‌دادهای ۱ و ۲ با قالب‌های «مسلمانی» و «چمن‌زن» ایجاد می‌شوند و طرح‌واره‌های مشترک (کنشگر، کنش‌پذیر، ابزار، مکان و هدف) از دو درون‌داد به فضای عام فرافکنی شده و مفاهیم همتا از دو فضای درون‌داد به همدیگر نگاشت می‌شوند. به عبارتی، با فرایند ترکیب، هویت (مسلمانی) با نقش (چمن‌زن)، موی سر با چمن، مغازه سلمانی با باغچه، قیچی آرایشگری با ماشین چمن‌زنی، هدف (پیرایش) با هدف (کوتاه کردن) و روش (پیرایش) با روش (بریدن) بر هم نگاشت شده، با هم ترکیب می‌شوند و از هر درون‌داد بعضی از ویژگی‌ها به‌طور انتخابی فرافکنی می‌شوند. در فرایند تکمیل، از نگاشت بین‌فضایی بین دو درون‌داد رابطه حیاتی «قیاس» پدید می‌آید. فرایند گسترش به شبیه‌سازی تصویر چمن‌زنی که در مغازه سلمانی مشغول کوتاه کردن موهای مشتری است، می‌انجامد که در دستش چیزی شبیه ماشین ریش‌تراش است که کارکرد آن فقط کوتاه کردن مو (شبیه ماشین چمن‌زنی) بدون هیچ مدل خاص است. در نهایت، مفهوم نوظهور منفی «عدم مهارت» در فضای تلفیق پدید می‌آید (شکل ۱۱).

به‌طور کلی چنانچه بخواهیم خلاصه‌ای از تعاریف شبکه‌ها را داشته باشیم جدولی به صورت ۱ خواهیم داشت:

جدول ۱: انواع شبکه‌های تلفیقی (Evans & Green, 2006: 431)
Table 1: types of blending networks (adapted from Evans & Green, 2006: 431)

شبکه	قالب	ساخت تلفیق
۱. ساده	یک قالب در یکی از درون‌دادها	فقط یک قالب
۲. آینه‌ای	یک قالب مشترک در دو درون‌داد	یک قالب مشترک
۳. یک‌دامنه‌ای	دو قالب متمایز در دو درون‌داد	یکی از قالب‌ها
۴. دو‌دامنه‌ای	دو قالب متمایز در دو درون‌داد	بعضی از عناصر دو قالب

۵. نتیجه

در این مقاله به بررسی و تحلیل نظریه تلفیق مفهومی پرداخته شد. تلفیق مفهومی در تکمیل نظریه‌های پیشین (فضاهای ذهنی و استعاره مفهومی) به‌عنوان یکی از زیرنظریه‌های معنی-شناسی شناختی پیشنهاد شده است تا چگونگی تولید و درک مفاهیم نوظهوری را که در صورت داده‌های زبانی (و حتی غیرزبانی) وجود ندارند؛ ولی ما آن‌ها را درک می‌کنیم، روشن سازد. در این نظریه، از طریق ایجاد دو فضای درون‌داد و نگاشت درون‌فضایی و برون‌فضایی مفاهیم موجود در این دو درون‌داد، فرافکنی ویژگی‌های مشترک آن‌ها به فضای عام و نهایتاً فرافکنی انتخابی از این دو درون‌داد به فضای تلفیق، مفاهیم نوظهور پدید می‌آیند. البته علاوه بر فرایندهای بین شبکه فضاهای ذهنی، سه فرایند ترکیب، تکمیل و گسترش هم در ایجاد مفهوم نوظهور در فضای تلفیق نقش دارند. در این نظریه معناشناختی، چهار نوع شبکه تلفیق تعریف شده است که عبارت‌اند از شبکه ساده، شبکه آینه‌ای، شبکه یک‌دامنه‌ای و شبکه دو‌دامنه‌ای.

یافته‌های این پژوهش که به کمک تحلیل داده‌های متنوعی به دست آمده است، نشان می‌دهد که مزیت‌های این نظریه بر نظریه‌های پیشین - که بر قدرت کفایت تبیینی این نظریه می‌افزاید - بیش از هر چیز به سبب ظهور مفهوم در شبکه‌ای از مفاهیم است که ویژگی پیدایشی بودن مفاهیم را برجسته می‌کند. بدیهی است چارچوب معنی‌شناختی‌ای که دارای چنین قابلیت در تحلیل باشد، با ماهیت معنا هماهنگی دارد. به علاوه، همین ویژگی منفک نبودن مفاهیم و روابط درهم‌تنیده آن‌ها با دید کلی‌نگر زبان‌شناسی شناختی هم‌جهت است. این امر بر لزوم پیدایش این نظریه صحه می‌گذارد.

پویایی مفهوم‌سازی در فضاهاى ذهنی و عدم یک‌سویه بودن نگاهت، عدم تک‌نگاشتی بودن، فرافکنی انتخابی و عدم لزوم وجود مفهوم همتا و همچنین، عدم منفک پنداشتن کارکردهای ذهنی از ویژگی‌های نظریه تلفیق مفهومی هستند که در این پژوهش، برجسته شد و همین عوامل را می‌توان سبب برتری نظریه تلفیق مفهومی در مقابل سایر نظریه‌های پیشین دانست.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. conceptual blending
آنچه در این مقاله «تلفیق مفهومی» نامیده می‌شود، در برخی آثار دیگر از جمله اردبیلی و همکاران (۱۳۹۲) «آمیختگی مفهومی» ترجمه شده است.
2. emergent
۳. در دوران کودکی، سلمانی‌ای در محل زندگی یکی از نگارندگان مشغول به کار بود که آن قدر کیفیت کارش پایین بود که بیشتر افراد معتقد بودند که بهتر است فقط با ماشین اصلاح، مو کوتاه کند و در مدل مو خیلی مهارت نداشت. در نتیجه به او لقب «حسن چمن‌زن» داده بودند.
4. Fauconier, G.
5. Turner, M.
6. Coulson, S.
7. frame-shifting
8. semantic leaps
9. Oakley, T.
10. Birdsell, J. B.
11. Veale, T.

12. Kovalchuk, L. P.
13. Hedblom, M. M.
14. entities
15. conceptualization
16. matrix
17. mental spaces
18. Talmy, L.
19. Langacker, R.
20. conceptual content
21. construing
22. domain
23. conceptual metaphor
24. backstage cognition
25. analogical and metaphorical mapping
26. figure-ground
27. viewpoints
28. reference points
29. construal
30. roles
31. prototypes
32. metonymy
33. polysemy
34. frames
35. space builders

فضاسازها گوینده و شنونده را به فضایی غیر از فضای گفتار می‌برند مثل گروه‌های حرف اضافه‌ای (در سال ۱۳۱۷ ...)، گروه‌های قیدی (معمولاً ...)، ساخت‌های شرطی (اگر ... و ساخت‌های متممی (آرزو می‌کنم ...).

36. counterfactuals
37. categorizations
38. metonymies
39. metaphors
40. composition
41. pattern completion
42. elaboration
43. vital relations
44. uniqueness
45. human scale
46. inner-space
47. outer-space
48. change
49. identity

50. time
51. space
52. cause-effect
53. part-whole
54. representation
55. role
56. analogy
57. disanalogy
58. property
59. similarity
60. category
61. intentionality
62. background conceptual structure
63. simplex networks
64. mirror networks
65. single-scope networks
66. focus input
67. double-scope network

۷. منابع

- اردبیلی، لیلا و همکاران (۱۳۹۴). «پیوستگی معنایی متن از منظر نظریه آمیختگی مفهومی». *جستارهای زبانی*. ۶. ش ۵ (پیاپی ۲۶). صص ۲۷ - ۴۷.
- برکت، بهزاد و لیلا اردبیلی (۱۳۹۱). «نقد و بررسی نظریه تلفیق مفهومی در تبیین فرایند ساخت معنا در ذهن». *ذهن*. ۹. ش ۴۹. صص ۵۳ - ۷۲.
- جوانمرد، لیلا (۱۳۸۸). *نقش فرایند تلفیق مفهومی در روند شکل‌گیری اصطلاح‌های فارسی خودمانی جوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان‌شناسی. دانشگاه الزهرا. تهران.
- صادقی، لیلا (۱۳۹۲). «ادغام نوشتار و تصویر در متون ادبی بر اساس نظریه ادغام مفهومی». *جستارهای زبانی*. ۳. ش ۱۵. صص ۷۵ - ۱۰۳.
- قراملکی، احد فرامرز و مهدی باقری (۱۳۹۶). «کاربست انتقادی نظریه آمیختگی مفهومی در خوانش "خزائن الهی"». *المیزان*. ۱. ش ۴. صص ۱۲۳ - ۱۴۴.
- مؤذنی، علی‌محمد و شهروز خنجری (۱۳۹۳). «تحلیل برخی از استعاره‌های مفهومی

- فارسی با استفاده از الگوی شبکه‌ای و ادغام. «ادب فارسی». ش ۴ (۱). صص ۱ - ۱۶.
- مولودی، امیرسعید (۱۳۹۴). *مفهوم‌سازی استعاره‌ای احساسات در زبان فارسی: رویکردی شناختی*. رساله دکتری رشته زبان‌شناسی. دانشگاه تهران. تهران.

References:

- Ardabili, L. et. all. (2016). "Text coherence through conceptual blending theory". *Language Related Research* 6 (5). Pp. 27- 47. [In Persian]
- Barkat, B. & L. Ardabili, (2013), "A criticism and study of conceptual blending theory in explanation of meaning formation process in mind". *Zehn* 49: pp. 53-72. [In Persian]
- Birdsell, J. Brian. (2014). *Fauconnier's Theory of Mental Spaces and Blending*. In Bloomsbury Companion to Cognitive Linguistics. J. Taylor and J. Littlemore (Eds.). Bloomsbury Academic. Pp. 72- 90.
- Coulson, S. & T. Oakley, (2000), "Conceptual blending "(Special Issue) . *Cognitive Linguistics*. 11(3-4). Pp. 175-196.
- -----, (2000), *Semantic Leaps: Frame-Shifting and Conceptual Blending in Meaning Construction*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Evans, V. & M. Green, (2006), *Cognitive Linguistic: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fauconnier, G. & M. Turner, (1994), "Conceptual projection and middle spaces". In *Technical report 9401*. University of California, San Diego.
- ----- (1998). "Conceptual integration networks". *Cognitive science* 22 (2). Pp. 133-187.
- ----- (2002). *The Way we Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities*. New York: Basic Books.
- ----- (2003). "Conceptual blending, form and

- meaning". *Researches on Communiation* 19 (19).Pp. 57-86.
- ----- (2006). *Rethinking Metaphor*. In Ray Gibbs, ed. Cambridge Handbook of Metaphor and Thought. Cambridge University Press.
 - Fauconnier, G. (1985). *Mental Spaces: Aspects of Meaning Construction in Natural Language*. Cambridge, MIT Press, and London: Bradford.
 - ----- (1994). *Mental Spaces: Aspects of Meaning Construction in Natural Language*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
 - Ghara Maleki, A.F. & M. Bagheri, (2017), A critical application of conceptual blending theory in reading "khazaen-e Elahi". *Almizan 1 (4)*.Pp. 123- 144. [In Persian]
 - Hedblom, Maria M. et all. (2016). "Image schemas in computational conceptual blending". *Cognitive Systems Research*, 39.Pp. 42–57.
 - Javanmard, L. (2010). *The Role of Conceptual Blending in the Process of Formation of the Persian Young's Colloquial Idioms*. Master Thesis in Linguistics. Alzahra University. [In Persian]
 - Kovalchuk Lidia Petrovna, (2015), "Comparative Research of Blends Frog-woman and Toad-woman in Russian and English Folktales". *Russian Linguistic Bulletin*, 3 (3): 12-18. <http://dx.doi.org/10.18454/RULB.3.08>
 - Lakoff, G. & M. Johnson, (1980), *Metaphors We Live By*. London: The University of Chicago Press.
 - -----, (2003), *Metaphors We Live By*. London: The university of Chicago press.
 - ----- (1993). "he Contemporary Theory of Metaphor". In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (pp. 202-251), Cambridge: Cambridge University Press.
 - Langacker, Ronald W. (2008). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford University Press: USA.
 - Mo'azeni, A.M. & Sh. Khanjari, (2015), "The Analysis of some Persian conceptual metaphor applying network model and integration". *Aadab-e Farsi 4*

(1).Pp. 1-16.

- Moloudi, A.S. (2016). *Metaphorical Conceptualization of Emotions In Persian: A cognitive Linguistics Approach*. Phd Thesis in Linguistics. University of Tehran. [In Persian]
- Sadeghi, L. (2014). "Integration of writing and image in literary texts based on conceptual blending theory". *Language Related Research 3 (15)* .Pp. 75- 103. [In Persian]
- Turner, M. (2007). *Conceptual Integration*. In *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*.(Eds) Geeraerts, Dirk and Hubert Cuyckens. Oxford: Oxford University Press.
- <http://dadegan.ir/catalog/perdt/about>
- <http://www.yjc.ir/fa/news/5726658/%D9%84%D8%AD%D8%B8%D9%87%E2%80%8C%DB%8C-%D8%B6%D8%B1%D8%A8%D9%87-%D9%81%D9%86%DB%8C-%D8%B4%D8%AF%D9%86-%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86%D9%84-%D9%85%D8%B3%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B7-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%DB%8C%DA%A9%D9%86%D8%A7%D9%86%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%B3%D9%84%D9%88%D9%86%D8%A7-%D9%81%DB%8C%D9%84%D9%85>
- <http://www.khabaronline.ir/detail/667595/Politics/election>